

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در

پانسکو



هو العزيز



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود- ویرایش دوم

۱۰ بهمن ۹۵

با جستارهایی از:

محمد آقاسی، علیرضا آقاییوسفی، ریحانه اصلان زاده، سیدمهدی اعتمادی فرد، آرمین امیر، حسین ایمانی جاجرمی، یاسر باقری، عبدالله بیجرانلو، ناصرالدین-علی تقویان، سمیه توحیدلو، مجتبی توسل، حمیدرضا جلایی پور، ریحانه جوادی، محمدرضا جوادی یگانه، ابراهیم حاجیانی، مهدی حسین زاده فرمی، هادی خانیکی، سیدمحمد مهدی خوبی، مجتبی دلیر، حسین راغفر، جبار رحمانی، محمد مهدی رحمتی، مهدی روزخوش، سعیده زادقناد، احسان سلطانی، احسان شاه قاسمی، غلامرضا صدیق اورعی، رضا صفری شالی، عباس عبدی، حامد طالبیان، حمید طاهری، فاطمه سادات علمدار، فردین علیخواه، موسی عنبری، غلامرضا غفاری، محمدجواد غلامرضا کاشی، محمد فاضلی، نعمت الله فاضلی، مقصود فراستخواه، جولان فرهادی بابادی، ناصر فکوهی، مجید فولادیان، سید احمد فیروزآبادی، محمدامین قانع راد، علی قنبری، محمدرضا کلاهی، مسعود کوثری، رضا مختاری اصفهانی، علیرضا مشهدی زاده، محمد معماریان، مهدی منتظری مقدم، نوح منوری، سیدجواد میری، سیدعبدالامیر نبوی، آرش نصر اصفهانی، عباس نعمتی، سیدضیاء هاشمی، سیده راضیه یاسینی.

با مقدمه: سیدرضا صالحی امیری

به کوشش:

محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیجرانلو



۱۳۹۵



عنوان و نام پدیدآور	مشخصات نشر	مشخصات ظاهری
جستارهایی در پلاسکو/ به کوشش محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو. با مقدمه سیدرضا صالحی امیری.	تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۵.	۵۲۱ص.
موضوع	وضعیت فهرست‌نویسی فیبا	رده‌بندی دیویی
موضوع	۳۴۷/۳۶۳	
موضوع	بلاها - - جنبه‌های جامعه‌شناختی.	
موضوع	رسانه‌ها و افکار عمومی.	
موضوع	مسائل اجتماعی - ایران - تهران.	
موضوع	مدیریت بحران - ایران - تهران.	
موضوع	بلاها - - آینده‌نگری.	
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۵ ج ۲ / HV ۵۵۳	

جستارها





پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
به کوشش: محمدرضا جوادی یگانه، جبار
رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو.
با مقدمه: سید رضا صالحی امیری، وزیر
فرهنگ و ارشاد اسلامی
صفحه‌آرا: وحید لنجان‌زاده
روی جلد: از مجموعه «ایستاده در غبار»،
اصغر خمسه. خبرگزاری مهر.

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ric.ir

فهرست مطالب

پلاسکو از آغاز تا پایان ۷

مدیریت و سیاست شهری

- گزارش ملی پلاسکو / محمد فاضلی ۱۵
- پیام پلاسکو / سید ضیاء هاشمی ۲۵
- مدیریت شهری و درس های پلاسکو / حسین ایمانی جاجرمی ۳۱
- تحلیلی آسیب شناختی بر موقعیت بحران های کالبدی شهر / ناصر فکوهی ۳۵
- ماجرای «پیک نیک» و جامعه شناسی «پلاسکوها» / موسی عنبری ۴۳
- فروپاشی پلاسکو نماد فروپاشی الگوی توسعه شهری / محمد امین قانع راد ۴۹
- آتش پلاسکو روشن است! مگر... / مجتبی توسل ۵۷
- فاجعه ساختمان پلاسکو و درس هایی که نمی آموزیم / حسین راغفر ۶۵
- مسئولیت شهرداری در حادثه پلاسکو / علیرضا مشهدی زاده ۷۱
- مدیریت فرسوده / سید عبدالامیر نبوی ۷۹
- خوب، بد، زشت: درس های پلاسکو / محمد مهدی رحمتی ۸۷
- هزینه های استهلاک و بی توجهی به آن در پلاسکو / غلامرضا صدیق اورعی ۹۷
- ساختارهای خالق حادثه ساختمان پلاسکو / احسان سلطانی ۱۰۳
- آتش پلاسکو؛ احیاگر مشکلات تاریخی ایرانیان / رضا مختاری اصفهانی ۱۱۱
- چتری برای پلاسکو / یاسر باقری ۱۱۹
- قربانیان نامرئی پلاسکو / آرش نصر اصفهانی ۱۲۹
- عدم توازن امنیت حیات ایرانی / مهدی حسین زاده فرمی ۱۳۵

فرهنگ و جامعه

- ۱۴۳ پرسش پلاسکو / نعمت‌الله فاضلی
- ۱۵۵ پلاسکو و امر نمی‌دانم / سیدجواد میری
- ۱۶۱ با پلاسکو می‌توان «جامعه در آغوش خطر ایران» را اسکن کرد / جلالی پور
- ۱۶۹ ققنوس پلاسکو و تکوین مقوله «مردم» در غیاب حکمرانی کارآمد / جبار رحمانی
- ۱۷۵ ساختمان پلاسکو و احساس بی پناهی مردم / محمدجواد غلامرضا کاشی
- ۱۸۷ حادثه ساختمان پلاسکو و فرهنگ اعتماد / غلامرضا غفاری
- ۱۹۵ ظرفیت سرمایه اجتماعی و واقعه پلاسکو / سید احمد فیروزآبادی
- ۲۰۳ اعتماد؛ کلید جامعه خود-ترمیم‌گر / فردین علیخواه
- ۲۰۹ پلاسکو و نشانه‌شناسی یک ازدحام / مقصود فراستخواه
- ۲۱۵ پلاسکو، یادگیری و آگاهی ملی / ابراهیم حاجیان
- ۲۲۵ بررسی زمینه‌های بحران پلاسکو با تأکید بر منزلت اجتماعی / مهدی اعتمادی‌فرد
- ۲۳۳ ساختمان پلاسکو و اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی / مجتبی دلیر

اخلاق اجتماعی و خلیقات ایرانی

- ۲۴۳ آیا مردم هم در فروریختن پلاسکو مقصرند؟ / محمدرضا جوادی یگانه
- ۲۵۱ حادثه پلاسکو و فرهنگ عمومی / محمدرضا کلاهی
- ۱۶۲ حادثه پلاسکو و مظلونان همیشگی: «مردم» / مهدی روزخوش
- ۲۷۱ تقدیرگرایی، گم‌گشتگی آینده، و ظهور فاجعه پلاسکو / مجید فولادیان
- ۲۷۹ همه ایرانی‌اند، بعضی‌ها ایرانی‌ترند / آرمین امیر
- ۲۸۹ پلاسکو، فقدان همدلی در زیست جمعی ایرانی / علی قنبری
- ۲۹۹ آیا آنها گوسفندند؟ / فاطمه سادات علمدار
- ۳۰۹ فرایند اندیشه نسلی؛ آنچه که انجام می‌دهیم / مهدی منتظری‌مقدم
- ۳۱۷ مناسک پلاسکو / سعیده زادقناد

رسانه‌های جمعی و اجتماعی

- ۳۲۷ پلاسکو: سیلی سخت فاجعه / مسعود کوشری
- ۳۴۱ تصویری از رسانه‌ای شدن یک حادثه / هادی خانیکی
- ۳۴۷ درباره روایت رسانه ملی از واقعه ساختمان پلاسکو / سیدمحمد مهدی خوبی
- ۳۵۵ ۱۲۴ دقیقه تعلیق / محمد معماریان
- ۳۶۵ اختلال رسانه‌ای و نقص جامعه‌پذیری / عباس عبدی

- ۳۷۱ مصیبت به منزله درنگی برای آینده / سمیه توحیدلو
- ۳۸۱ پلاسکو در ذهن مردم فروریخت / عباس نعمتی و حمید طاهری
- ۳۸۷ درس‌های فاجعه پلاسکو برای تلویزیون ایران / عبدالله بیچرانلو
- ۳۹۵ سرکشی تحمل‌ناپذیر نمادها / ناصرالدین علی تقویان
- ۴۰۵ که نه خاطر تماشا، نه هوای باغ دارد / ریحانه جوادی
- ۴۱۷ حادثه ساختمان پلاسکو و افکار عمومی / رضا صفری شالی
- ۴۲۵ اختلال جمعی / علیرضا آقاییوسفی
- ۴۳۳ سلفی‌بگیران پلاسکو / احسان شاه قاسمی
- ۴۴۱ خوش‌حالی‌ها و خوش‌بختی‌های رسانه ملی / نوح منوری
- ۴۴۷ فاجعه پلاسکو: امکان بسیج اجتماعی و نقش رسانه‌ها / حامد طالبیان
- ۴۵۵ شوک درمانی افکار عمومی و دیگر هیج / محمد آقاسی
- ۴۶۱ کنش سیاسی و عکاسی از فاجعه / ریحانه اصلانزاده

برای آینده

- ۴۷۱ از فروریزش نماد مدرنیته تا برساخت فرهنگ رشادت / سیده راضیه یاسینی
- ۴۸۱ علاج واقعه / جولان فرهادی بابادی

فرهنگ و جامعه



پلاسکو، یادگیری و آگاهی ملی

ابرامیم حاجیبانی

مدیر گروه پژوهش‌های فرهنگی مرکز تحقیقات استراتژیک

هر چند پیامدهای حادثه آتش‌سوزی و فرو ریختن این سازه بزرگ در مقیاس ملی و حتی در مقیاس شهر بزرگ تهران، می‌توانست مانند بسیاری دیگر از مشکلات جدی و اساسی کشور و جامعه‌مان، نادیده انگاشته شده و به سرعت در حاشیه قرار گیرد، اما بنا به دلایلی، این موضوع مورد توجه افکار عمومی مردم قرار گرفت؛ از آن جمله است که امکان رصد و مشاهده مستمر و بدون واسطه فاجعه که با کمک شبکه‌های اجتماعی مجازی، صدا و سیما و نقل قول‌های سینه‌به‌سینه وجود داشت و دیگر به دلیل قرار گرفتن این مجموعه در قلب تجاری و سیاسی شهر تهران و نیز حجم زیاد واحدهای صنفی آن و نهایتاً قربانی شدن احتمالی تعدادی از آتش‌نشانان و شهروندان در زیر آوار و آتش. البته به این‌ها باید فضا یا جوّ ملتهب اجتماعی و رسانه‌ای و آمادگی

افکار عمومی برای مواجهه فعال با این گونه حوادث را باید افزود. اما صرف نظر از این دلایل، آنچه به عنوان پیامد نسبتاً پایدار این حادثه، به احتمال زیاد، باقی خواهد ماند، ایجاد، گسترش و تعمیق یک درک و آگاهی عمومی مردم ایران نسبت به مجموعه مسائل حاد و پیچیده زندگی اجتماعی کنونی‌شان است که به نظر می‌رسد سطح آن از یک فاجعه آتش‌سوزی صرف، بالاتر رفته است. در واقع محتویات مباحث، گفت‌وگوها و پیام‌های در حال ردوبدل شدن در میان مردم، نشان می‌دهد که حادثه پلاسکو به تدریج مردم را با مجموعه‌ای از سوالات اساسی‌تر و اصلی‌تر مواجه کرده و نگرانی‌ها و دغدغه‌های آن‌ها را کمی جدی‌تر و البته بنیادی‌تر نموده است. باید گفت از طریق و در خلال این رویداد، مردم ایران و به‌خصوص شهر تهران، با کم‌وکیف فجایع و ریسک‌های احتمالی در زندگی‌شان بیشتر آشنا شده و تجربه زیسته‌ای را طی کرده‌اند. در حالی که این تصور، هیچ‌گاه در خلال سونامی چندی قبل در جنوب شرق آسیا و یا زلزله ورزقان و قبل‌تر از آن زلزله بم و منجیل به وجود نیامد و بنا به دلایلی که در بالا گفته شد، موضوع به‌صورت ملموس و عینی در جلوی چشم افکار عمومی قرار نگرفت. به عبارتی حادثه اخیر آتش‌سوزی در خیابان جمهوری، یک شوک یا ضربه روانی دسته‌جمعی را نسبت به وجود معضلات و مشکلاتی که باعث شکل‌گیری این فجایع می‌شود، به‌وجود آورد و محتوای مباحث عمومی نشان می‌دهد که مردم، سطح این نگرانی‌ها را بسیار عمیق‌تر از صرف یک حادثه آتش‌سوزی می‌دانند.

به‌واقع این تعبیر، مرتباً در نزد گروه‌های مختلف اجتماعی مطرح می‌شود که علل، زمینه‌ها و شرایط به وجود آورنده این حادثه چه بوده و میزان آمادگی و هشیاری عمومی در قبال این قضایا چیست؟ به‌عنوان مثال به‌صورت آگاهانه و تا حدودی متحیرانه، این تعبیر مرتباً تکرار می‌شود که اگر حد و اندازه واقعه کمی بیشتر از یک ساختمان و در



حد یک کوچه یا خیابان و یا محله می بود چه شرایطی پیش می آمد و تکلیف فاجعه دیدگان و مردم بلا دیده چه می شد و اساساً چگونه می توان روی حمایت و پشتیبانی و کمک دیگران اعم از دیگر مردم یا نهادهای خدماتی و امدادی در این شرایط حساب کرد؟ به سخن دیگر، مردم ایران و به خصوص تهران نشینان متوجه شدند که اولاً سازوکارهای نادرست و روندهای کلان مدیریتی در کشور، موجبات این گونه حوادث را فراهم می آورند و در کنار آن، مجموعه ای از عوامل پیچیده فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در شکل گیری این وضعیت، مداخله و مسئولیت دارند و سطح بحث در حد مسئولان این مجتمع، کسبه، آتش نشانی و مدیریت شهری نیست بلکه عوامل آشکار و پنهان متعدد و چند لایه ای در آن مؤثر و با آن مرتبط اند که روابط متقابل میان همه آن ها این وضعیت را به وجود آورده است.

به عبارتی، شهروندان به صورت ملموس و عینی و با درگیری ذهنی و عاطفی بیشتری با شرایطی که منجر به این وضعیت می شوند آشنا شدند که این خود یک کارکرد مثبت و غیرمستقیم حادثه پلاسکو تلقی می شود. بنابراین اگر این حادثه کمی دورتر یا حتی در جای دیگری از شهر تهران رخ می داد، چندان تحریک کننده نبود و تا این حد حساسیت تولید نمی کرد. وجه دیگر این حساسیت عمومی، درباره علل عدم کفایت و پاسخ گویی سازوکارهای هشداردهی، مراقبت، نظارت و رصد شرایط است، تا ریسک ها و فجایع را از قبل محاسبه کند و از حجم خسارات و صدمات بکاهد. صورت مسئله ایجاد شده برای افکار عمومی آن است که (نه این که این انتظار خاص برای پلاسکو مطرح باشد بلکه در سطح ملی و کلان) چرا باید از ناحیه مسائل و چیزهایی ضربه بخوریم که در جاهای دیگر دنیا سالهاست حل شده اند و قابل مدیریت هستند. به عبارتی، فقدان نظامی نوشته شده (یا نانوشته) برای هشدار، هشداردهی، آگاهی و پیش افتادن از حوادث و ریسک،



مورد توجه قرار گرفته است. چیزی که متأسفانه در جریان بحران آب، تغییرات اقلیمی و خشک‌سالی به‌وجود نیامده و هنوز افکار عمومی مسئله یا مشکل را کاملاً درک نکرده است و با آن هم‌دلی نمی‌کند. به عبارتی علی‌رغم آن‌که دامنه و پیامدهای بحران کم‌آبی، بسیار وخیم‌تر و تأثیرات آن به مراتب مخرب‌تر است اما حساسیت لازم درباره آن هنوز به‌وجود نیامده است. اما پلاسکو به‌مثابه یک زنگ خطر، حساسیت‌های عمومی را نسبت به لزوم محاسبه مستمر ریسک‌ها، ایجاد و ارتقای نظام هشداردهی و ضرورت اصلاح روندها و سیاست‌ها به صورت پایدار و اصولی، برای جلوگیری از تکرار این‌گونه حوادث، ایجاد کرد. به غیر از این، در سطحی بالاتر، حادثه تخریب پلاسکو، جامعه خبرگی و کارشناسی کشور را نیز نسبت به عمق غفلت‌های راهبردی در نحوه مواجهه‌شان با مسائل کشور آگاه کرد و این‌گونه نقیصه‌ها یا ضعف‌های کلان را پیش چشم همگان قرار داد. در این‌جا جامعه بزرگ مهندسان، شهرسازان، مشاوران، دست‌اندرکاران امور ساخت و ساز، انرژی، امور شهری، امنیت عمومی، مدیریت بحران و فجایع به‌عینه پیامدهای غفلت‌ها، سهل‌انگاری‌ها، منفعت‌طلبی‌ها، خودمحوری‌ها و یا حداقل روزمرگی‌هایی که به شدت درگیر آن هستند را مشاهده کردند و بر ضرورت اصلاح سریع‌تر مجموعه فرایندهای تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اداره امور کشور و کلان‌شهرها آگاه ساخت (یا آن‌که حداقل باید خوش‌بین باشیم که این آگاهی به‌وجود آمده باشد).

به عبارتی این رویداد، تبلور نابسامانی‌ها و کژکارکردی‌هایی است (یا بود) که به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه، توسط بخشی از جامعه کارشناسی و خبرگان کشور به‌وجود آمده و طی دهه‌ها متراکم و انباشته شده است و البته به‌زودی در جاها و بزنگاه‌هایی سربرمی‌آورد که پلاسکو نمونه‌ای از آن بود. شاید لحن این محکوم‌سازی، کمی ناجوانمردانه به نظر برسد و یک‌سویه به قاضی رفتن باشد، اما این



مهم است که جامعه نخبگی که در شرکت‌های مهندسی مشاور، اداره امور شهری و پروژه‌های توسعه‌ای-عمرانی کشور مشغول خدمت است، به پاره‌ای نقایص ساختاری در فعالیت خود پی ببرد که از آن جمله می‌توان به فقدان دید درازمدت، ضعف در رویکردهای مربوط به توسعه پایدار، جامع‌نگری، درک پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی و در هم تنیدگی مسائل موجود و دست برداشتن از دید تک بعدی به مسائل موجود اشاره کرد. دیدگاهی که ضمن منفعت‌محوری، به شدت دچار بخش‌محوری (مهندسی دیدن، پزشکی دیدن یا حتی فرهنگی دیدن و ...) است و به تدریج و در طول زمان از دامنه حساسیت‌های حرفه‌ای و تا حدودی اخلاقی کاسته است و مرتباً استانداردهای خود را تنزل می‌دهد و با بهانه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و یا با تأکید بر تنگناهای اقتصادی-تجاری و محدودیت‌های کسب‌وکار در ایران از کیفیت پروژه‌ها و طرح‌های عمرانی می‌زند و یا آن‌که حداقل دچار روزمرگی شده و نمی‌تواند یا نمی‌خواهد بر اصول فعالیت حرفه‌ای خود پافشاری کند. درست همان وضعیت و شرایطی که ما در دانشگاه با آن روبرویم و بنا به دلایل مختلف که به بخشی از آن‌ها در بالا اشاره شد، عملاً و مرتباً از استانداردهای حرفه‌ای و تخصصی کار آکادمیک فاصله می‌گیریم و تساهل و مماشات فراوانی را در تربیت دانشجویان، تدریس، تألیف و پژوهش در پیش گرفته‌ایم که این باعث می‌شود محصول نهایی دانشگاه، ناکارآمد و ناتوان گردد. لذا این شرایط و این نحوه تصمیم‌سازی، مشاوره، ارائه خدمت، اجرای طرح‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای، دیر یا زود کشور را به ورطه خطرناکی از هدر دادن منابع می‌کشاند که پلاسکو فقط نمونه‌ای کوچک از آن بود و خدا می‌داند که اگر عوامل دیگر برای انفجار فراهم شود (سوخ، اکسیژن، آتش‌زنه و ...) در سایر بخش‌ها چه رخ می‌دهد.

به هر حال روی سخن در این جا نه با مردم – که البته تک‌تکشان



در شکل‌دهی به این وضعیت پرمسئله و بغرنج مسئولیت دارند. بلکه با نظام کارشناسی، خبرگی و حرفه‌ای است که درگیر رتق وفتق طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی، برنامه‌های توسعه‌ای (چه در مقیاس خرد محلی و چه در مقیاس ملی)، طراحی پروژه‌های اجرایی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، تجاری، بیمه‌ای و ... هستند، می‌باشد و ابهام و مشکل اصلی، کاهش مستمر استانداردهای شناخته شده و فاصله گرفتن هر چه بیشتر از اصول و معیارهای تعریف شده است که البته با ده‌ها توجیه درست و نادرست اتفاق می‌افتد. غرض آن‌که پلاسکو (احتمالاً)، باعث می‌شود که این اقشار و لایه‌های متولی توسعه ملی، نسبت به ارتقای فعالیت‌های حرفه‌ای خود همت گماشته، خود را ملزوم به جامع‌نگری، درازمدت‌اندیشی و سایر اصول توسعه پایدار ببینند. امید که فاجعه پلاسکو این حساسیت را در بین ما جامعه خبرگان، برنامه‌ریزان، مشاوران، دانشگاهیان، متخصصان و حرفه‌ای‌ها به وجود آورده و از دامنه توجیهاات بکاهد و به‌خصوص وفاداری هر چه بیشتر به معیارها و اخلاق مسئولیت را در ما تقویت و تحریک کند.

اما سوی دیگر این حساسیت ملی و آگاهی‌بخش در نزد مدیران ارشد، فعالان، نخبگان سیاسی و تصمیم‌گیرندگان کلان کشور قابل جستجو است. با مشاهده مجموعه واکنش‌ها، اعلام حساسیت‌ها، پیام‌ها، پی‌گیری‌ها و برخی تصمیمات طی همین ۳-۴ روز بعد از واقعه پلاسکو می‌توان حدس زد (یا امیدوار بود) که مسئولان سیاسی کشور هم به عمق وجود پاره‌ای شکست‌های راهبردی در اداره امور کشور پی برده باشند، هر چند نمی‌توان منکر وجود برخی حرکت‌های نمایشی یا تظاهری مدیران میانی در این میان نیز شد که البته و بدبختانه این آخری در بازار مکاره سیاست در ایران و جهان، همه جاگیر است (و همان‌طور که عده‌ای از مردم با فروریختن پلاسکو عکس سلفی گرفتند) تعدادی از مدیران میانی نیز از این نم‌د دنبال کلاهی برای خود بودند.



اما چون قاطبه مدیران، نگاهی مردمی و دلسوزانه به مسائل کشور دارند، حادثه پلاسکو آن‌ها را نیز نسبت به سبک‌ها و رویه‌هایشان برای مواجهه با مسائل اصلی کشور آگاه و حساس کرد. در واقع اگر خوب دقت کنیم، واقعه پلاسکو درست در میانه مناقشات فعالان سیاسی کشور درخصوص برجام، مفاسد مالی کلان، حقوق‌ها و املاک نجومی رخ داد که با فوت ناگهانی آیت‌الله هاشمی چند روزی از شدت آن کاسته شده بود.

منظور آن است که در شرایطی که مسائل اصلی و اساسی کشور در روستاها و شهرها و محلات، دشت‌ها و مسیل‌ها، رودخانه و آب‌های زیرزمینی، حاشیه شهرهای بزرگ، دادگاه‌های طلاق، زندان‌ها، مدارس کپری، بر سر پیچ جاده‌ها، اورژانس‌ها و بخش‌های ترومای بیمارستان‌ها می‌گذرد، مسئولان و مدیران بخش‌های مختلف، نمایندگان، قانون‌گذاران و حتی اهالی رسانه که رکن چهارم قدرت‌اند، دل‌مشغول جای دیگری‌اند و آنها نیز که اهل درک بوده و از شرایط بغرنج موجود آگاهی دارند از اجماع‌سازی، هماهنگی و یک‌پارچه‌سازی اراده‌های سیاسی، احساس ناتوانی می‌کنند. گو این که معادلات سیاسی موجود و عطش موقعیت‌های سیاسی (که از قبیل آنها منافع مالی و تجاری به دست می‌آید!) پرده‌ای ضخیم بر مسائل اصلی کشور کشیده و امکان مشاهده آن‌ها را سلب کرده و یا این که امکان تعامل و مذاکره منتفی شده است. افزون بر این، کوششی برای آینده‌پژوهی، طراحی و تدوین نظام هشداردهی ملی در بخش‌های مختلف و به تبع آن پی‌گیری مجدانه برای اتخاذ راهبردهای پیش‌گیرانه در این قبیل موضوعات صورت نمی‌پذیرد. در حالی که مدیران ارشد کشور ثابت کرده‌اند که در برخی موضوعات مهم ملی توانسته‌اند به خوبی از عهده طراحی این نظام‌ها و خرده‌نظام‌های راهبردی برآمده و امنیت و ثبات کشور را به خوبی تأمین کنند.



نباید فراموش کنیم تا همین چند ماه گذشته نیز موضوعات و مسائل اجتماعی کشور که روی هم رفته بیش از دو سوم جمعیت کشور را درگیر خود کرده‌اند (اعتیاد، طلاق، حاشیه‌نشینی و ...) انکار می‌شد و این موضوعات به تازگی در دستور کار و تقویم سیاست‌گذاری برخی مراجع کلان تصمیم‌گیرنده کشور قرار گرفته، هرچند این مسئله، هنوز هم از سوی بسیاری از مراجع فکری کشور به عنوان یک واقعیت و اولویت شناسایی نشده است، چه رسد به این که درخواست تدبیر و گشایشی مطرح شود و یا منابعی به آن تخصیص یابد. اما در خلال حادثه پلاسکو، به نظر می‌رسد اندک تحریکی و تشخیصی برای مسئولان کشور به وجود آمده باشد که بتوانند مسائل اصلی (چیزهایی مثل نوسازی بافت‌های فرسوده، مقاوم‌سازی ابنیه‌ها، تقویت سازوکارهای مدیریت بحران‌های طبیعی، طراحی نظام‌های هشداردهی، و ...) را در اولویت قرار دهد و از آن‌چه در زیر پوست شهرها و روستاها می‌گذرد، آگاه شوند و از مماشات و تغافل بیشتر خودداری کنند. نباید فراموش کنیم که هم‌اکنون، بحران‌ها و پدیده‌هایی به مراتب خطرناک‌تر، پیچیده‌تر، کشنده‌تر، زمخت‌تر و مقاوم‌تر در زندگی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ما در بازار، دانشگاه‌ها، مدرسه‌ها، بیمارستان‌ها، کارخانه‌ها و صنایع و حتی در خانواده‌ها وجود دارد که خسارات و صدمات آنها هزاران برابر از حادثه پلاسکو، بیشتر و عمیق‌تر است و باید نسبت به آنها آگاهی و پیش‌آگاهی کسب کرد و مرتباً رصد، پایش و کنترل شوند. مدیران کشور در بخش‌های اجرایی، تقنینی، قضایی، سیاسی، فرهنگی و ... باید بدانند چاره‌ای جز دیدن واقعیت‌ها، هم‌فکری و هم‌کاری بین آنها با جامعه مدنی برای شناخت راه‌حل‌ها وجود ندارد و به‌خصوص ایمان بیاورند که راه حل مشکلات اصلی کشور، در نهادسازی‌های پی‌درپی و تخصیص انبوه منابع مالی نیست بلکه کشور بیشتر نیاز به تدبیر، آینده‌پژوهی، همکاری‌ها و هماهنگی‌های بین بخشی، اتخاذ



پلاسکو، یادگیری و آگاهی ملی | ۲۲۳

رویکردهای غیرامنیتی (غیرامنیتی سازی مسائل) و اجماع سازی در سطح نخبگان رسمی و غیررسمی دارد. امید آن که حادثه پلاسکو با خسارات و صدماتی که در پی آورد حداقل تأثیری را در یادگیری اجتماعی و فرهنگی و ارتقای هوشمندی و هوشیاری ملی در سطح عموم مردم، کنش گران و متخصصان حرفه‌ای و مسئولان کشور به وجود آورده باشد.





فصلنامه علمی، پژوهشی و آموزشی
دانشگاه شیراز